



با صفحه بندی دوباره و تعویض قلم

بهائیان از زبان خودشان

(به نقل از «سایت رسمی دیانت جهانی بهائی»)

<http://www.bahai.org/persian/>

دین بهائی	اصول و تعالیم حضرت بهاءالله	حضرت باب ۱۸۵۰ - ۱۸۱۹	حضرت بهاءالله ۱۸۱۷ - ۱۸۹۲
تعالیم حضرت بهاءالله	حضرت عبدالبهاء ۱۸۴۴ - ۱۹۲۱	اتحاد بهائیان	ولایت امر بیت العدل اعظم
مرکز جهانی بهائی	مرکز جهانی بهائی: کانون جامعه بین المللی	رفاه اجتماعی و اقتصادی	
	مشرق الاذکارهای بهائی		

عالم بهائی

دین بهائی



امر بهائی جوانترین دین از ادیان مستقل جهان است و تجدید دین از اصول این آئین است زیرا در هر زمان مقتضیات جامعه بشری تغییر میپذیرد و در هر عصری دینی جدید موافق با مقتضیات جهان و نیازمندی جهانیان ظاهر میگردد. بهائیان معتقدند که حضرت بهاءالله، بنیانگذار امر بهائی (۱۸۱۷-۱۸۹۲) جدیدترین فرستاده الهی در سلسله پیامبران پیشین چون حضرت ابراهیم، موسی و بودا و زردشت و مسیح و بالاخره حضرت محمد است و رسالتش برای ایجاد تمدنی جدید و جهانی است که بشر در این زمان بدان نیازمند است.

محور تعالیم پیام بهائی وحدت عالم انسانی است یعنی وقت آن آمده است که بشر از هر قوم و نژادی به یگانگی رسند و همه در ظلّ یک جامعه جهانی در آیند. حضرت بهاءالله فرموده است که خداوند بیماند نیروهائی را در جهان بکار گماشته است تا آنچه را که بر حسب سنتهای پیشین سبب جدائی و اختلاف میان اقوام و طبقات و ادیان و ملل عالم گشته است از میان بردارد و مهمترین کاری که امروز بشر باید بآن پردازد وحدت عالم انسانی و تلاش و کوشش در راه اتحاد و اتفاق اهل عالم است.

جمعی از بهائیان از نقاط مختلف

جهان

یکی از اهداف و مقاصد دین بهائی بذل و همت و مساعدت در این مسیر است. از این روی امر بهائی جامعه‌ای جهانی مرکب از قریب به ۵ میلیون نفر از اکثر ملل و نژادها و فرهنگهای جهان بوجود آورده و تعالیم حضرت بهاءالله را در آن جامعه تجسم بخشیده است. آزمایشی که بهائیان در این راه کرده‌اند سبب تشویق کسانی است که از همان راه میپویند و نوع انسان را اعضاء یک خاندان و کره زمین را یک وطن میدانند.

اصول و تعالیم حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله ما را بوجدانیت پروردگار تعلیم داده یعنی که خدا یکی است و اوست که پی در پی اراده خویش را در ظهور پیغمبران در هر زمان بر نوع انسان ظاهر ساخته است. و پیغمبران نیروی اصلی در تمدن بشری در طول تاریخ بوده‌اند. پیامبران آسمانی واسطهء بین خدا و خلق‌اند و با آنکه از یک منشأ برای تربیت و ترقی نوع بشر آمده‌اند، مردمان جهان ادیان را بکلی جدا از یکدیگر می‌دانند ولی در نظر بهائیان مقصد جمیع فرستادگان یزدانی یکی است و آن رساندن بشر به بلوغ روحانی و معنوی او است.

حال زمان ما زمانی است که انسان بمرحله بلوغ وارد گشته و وحدت خاندان بشری و بنای جامعه‌ای جهانی و صلح عمومی امکان پذیر شده است. برای وصول به هدف وحدت عالم انسانی از جمله تعالیمی که امر بهائی ترویج میکند عبارت است از:

- ترک جمیع تعصبات
- تساوی جمیع حقوق و امکانات برای زن و مرد
- اعتقاد به وحدت ادیان و باینکه حقائق دینی نسبی هستند نه مطلق
- تعدیل معیشت و از میان بردن افراط و تفریط در فقر و ثروت
- تعلیم و تربیت عمومی جهانی
- تحرّی حقیقت یعنی هر کس خود باید بجستجوی حقیقت پردازد و از تقلید دست بردارد
- ایجاد جامعه متحدالمنافع جهانی
- دین باید با علم و عقل مطابق باشد

حضرت باب ۱۸۵۰ - ۱۸۱۹



در ۲۳ ماه می ۱۸۴۴ در شهر شیراز در ایران جوانی که ملقب به باب بود اعلان کرد که پیغمبر الهی که همه جهان در انتظارش هستند ظاهر خواهد شد. لقب باب از این جهت است که اگر چه حضرت باب خود مظهر مستقلّ الهی بود اعلان فرمود که مقصد اصلیش آنست که مردم را برای ظهور کلیّ الهی بعد از خود آماده نماید. حضرت باب پس از این اعلان بزودی دچار عذاب و ایذاء روحانیون مقتدر اسلامی گردید. دستگیر و مضروب شد و بزندان افتاد و بالاخره کمتر از شش سال بعد در ۹ جولای ۱۸۵۰ در میدان عمومی شهر تبریز مقتول شد و ۲۰ هزار از پیروانش نیز طی کشتارهای متعدّد در سراسر ایران بقتل رسیدند و حال بنای باشکوهی با گنبد زرّین در کوه کرمل مشرف بر خلیج حیفا و محاط به گلزارهای زیبا بنام مقام اعلی ساخته شده است که جسد مطهر حضرت باب را در آغوش گرفته است.

آرامگاه حضرت باب (مقام اعلی) کوه
کرمل، حیفا، اسرائیل



نمایی از آرامگاه حضرت بهاءالله (روضه مبارکه) در نزدیکی عکا، اسرائیل



اطاق فوقانی منزل سید علی محمد شیرازی ملقب به باب در شیراز. مکانی که در ماه می ۱۸۴۴ در آن رسالت خویش را برای نخستین بار اعلام فرمودند. (محل اظهار امر حضرت باب)

حضرت بهاءالله ۱۸۱۷ - ۱۸۹۲

بنیان‌گذار آئین بهائی

حضرت بهاءالله در سال ۱۸۱۷ در خانواده‌ای از نجباء و اشراف ایران تولّد یافت خاندانش بسیار ثروتمند و صاحب ضیاع و عمار بودند و نسب صحیحشان به پادشاهان ساسانی می‌رسید. حضرت بهاءالله از داشتن مقامی در دربار آنزمان استنکاف ورزید و از همه ثروت و مزایایی که داشت چشم پوشید، در عوض مشهور به سخاوت و مهربانی شد و محبوب هموطنانش گشت و چون حضرت بهاءالله حمایت خویش را از آئین حضرت باب اعلان فرمود طولی نکشید که تمام مناصب و امتیازاتش را از دست داد و در طوفانی که پس از اعدام حضرت باب در ایران برخاست از همه ثروت و مال دنیا محروم و خود نیز دچار شکنجه و آزار و گرفتار زندان شد. سپس چند بار او را تبعید نمودند. اوّلین تبعیدش به بغداد بود که در سال ۱۸۶۳ از همان شهر حضرت بهاءالله خود را موعود بیان اعلان فرمود. از بغداد حضرت بهاءالله را به استانبول و از آنجا به ادرنه و بالاخره به عکا تبعید نمودند. عکا در اراضی مقدّسه بود و حضرت بهاءالله بعنوان یک زندانی در سال ۱۸۶۸ وارد آن شهر گردید.



از ادرنه سپس از عکا حضرت بهاءالله نامه‌های متعدّدی خطاب به ملوک و سلاطین زمان خویش صادر فرمود. این الواح در تاریخ ادیان بی‌نظیر و از اسناد بسیار مهمّ و پرعظمتی است که در آن حضرت بهاءالله اعلان فرمود که تمدّتی جهانی در شرف تکوین است و زمانش فرارسیده که اهل عالم بسرپرده وحدت و یگانگی درآیند و به شاهان و امپراطورها و روسای جمهور در قرن نوزدهم نصیحت کرد که از اختلافات خویش دست بردارند و تسلیحات خویش را بعداً اقل رسانند و در عوض کوشش و امکانات خویش را صرف ایجاد صلح عمومی نمایند.

سلول زندان حضرت بهاءالله در عکا، اسرائیل

درگذشت حضرت بهاءالله در بهجی در شمال عکا واقع شد و مزارش در همان جا استقرار یافت. تعالیمش کم‌کم از مرز خاورمیانه بیرون میرفت و در نقاط دیگر منتشر میشد. روضه مبارک‌اش امروز قبله جامعه جهانی بهائی است.



حضرت بهاءالله حیات انسانی را چنین می‌خواهد که در روابط گوناگون بشری مفاهیم و تعاریف جدیدی بوجود آید. یعنی روابط بین خود انسانها - بین انسان و طبیعت - بین فرد و جامعه و بین اعضاء جامعه و تشکیلاتش. هر یک از این روابط را باید در پرتو شناسائی اراده و مقصد الهی سنجید و معین کرد. از این روی حضرت بهاءالله مفاهیم و قوانین بدیعی اعلان فرمود تا وجدان انسانی را از قید روش و سنتهای گذشته برهاند و بشر را در بنیان تمدنی جهانی مدد بخشد. درباره «حیات جدید» میفرماید: «جميع اهل ارض در این عصر در حرکتند».^۱

چون محتوای پیام حضرت بهاءالله به شئون روحانی و اجتماعی هر دو تعلق دارد، تعالیمش از دین مفهوم دیگری را عرضه میکند. اگر مراد از دین معنای عرفی معمولش باشد نمیتوان گفت که حضرت بهاءالله مؤسس دین جدیدی بمعنای معهود دین است زیرا حضرت بهاءالله پیامبر تمدن و تحول عموم نوع بشر است - "مبدأ عصری جدید جهانی در تاریخ انسانی است".^۲ پیامش از جمیع مقولات دینی والا تر و برتر است. مقصدش از وحدت عالم انسانی فقط تحکیم پیوند همبستگی نوع انسان نیست، فقط حمایت از حقوق بشر و تأسیس صلح عمومی نیست، بلکه مقصدش آن است "که در بنیان جامعه کنونی تغییراتی حیاتی (ارگانیکی) صورت پذیرد که شبیهش را چشم عالم ندیده است".^۳ نسخه‌ای که حضرت بهاءالله برای درمان دردهای جهانیان و تجدّد معنوی ماهیت انسان عطا میکند بی‌ظنیر و عملی و در عین حال عمومی و جهانی است.

در این زمانه که تمدن بشری زمام روحانی و اخلاقیش را که سبب پیوند روابط انسانی است از کف داده است، تعالیم حضرت بهاءالله روح یک فرد انسان را از عالم خاک به جهان پاک مرتبط می‌سازد و بر سرنوشت کلی نوع انسان پرتوی تازه می‌افکند و شوق درونی بشری به عالم بالایش میکشاند. حضرت بهاءالله چنین تعلیم میدهد که پروردگار مهربان جهان را با "گل عشق" آفریده و در دل هر کس "جوهر نور" و "آئینه جمال" خویش را بودیعت نهاده است.^۴ حال نوع انسان به آستانه فجر بلوغ رسیده است که در آن باید «مقام و رتبه و شأن هر انسانی در این یوم موعود ظاهر شود»^۵ و فرمود که ظهورش «روح جدید معانی به امر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا»^۶ گردید.

چنانکه در آثار حضرت بهاءالله مکرر بتأکید آمده است، نخستین مقصد پروردگار از گسیل مظاهر ظهورش آن بوده و هست که حیات روحانی و مادی جامعه بشری را دگرگون سازد:

مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهراً، ظاهراً و باطناً، چه اگر بهیچوجه امورات ارض تغییر نیابد ظهور مظاهر کلیه لغو خواهد بود.^۷

حضرت بهاءالله مانند سایر پیامبران عظام چون حضرت ابراهیم، بودا، مسیح، محمد و سایرین که از قبل ظاهر گشتند در عمیقترین ریشه عواطف انسانی کاویده و زمینه تازه‌ای در اخلاق و خردمندی و ترقیات فرهنگی آفریده است. پروردگار میفرماید، "ترا بلند پایه آفریدم ... پس بر خیز و بسوی آنچه از برایش آفریده شده‌ای بر آ".^۸ حضرت بهاءالله می‌فرماید که: «عباد از برای اصلاح و الفت و اتحاد از عدم بوجود آمده‌اند».^۹ و تأکید فرموده که: "صبحتان را از شامتان برتر و امروزتان را از دیروزتان بهتر سازید... فضل انسان در خدمت و کمال است نه در زینت و ثروت و مال... از سستی و کاهلی پرهیز کنید و بر آنچه سبب سود انسان از پیر و جوان است یازید".^{۱۰}

تحولی که حضرت بهاءالله اراده تعلیم فرموده است از طرفی مربوط به حیات باطن و خلق و خوی هر یک از افراد بشر است و از طرف دیگر مربوط به سازمان جامعه است که مستلزم همکاری و شفقت و حسن اخلاق و عدل و انصاف است. حضرت بهاءالله در تشبیه ترقیات روحانی به رفتار فردی چنین فرموده: «فتح مدائن قلوب به جنود اخلاق و اعمال مقدر»^{۱۱} و به مردم جهان نصیحت چنین کرد که، "وجود خود را بنور امانت" و "حلیه امانت" و "پرچم سخاوت" مزین سازند.^{۱۲} خدمت بعالم انسانی هم باید هدف حیات فردی و هم هدف نظامات اجتماعی باشد: «به خود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید».^{۱۳} و در ادامه فرمود: «سبب اعظم و علت کبری از برای ظهور و اشراق نیر اتحاد دین الهی و شریعه ربانی بوده و نمو عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت من فی البلاد از اصول احکام الهی».^{۱۴}

حضرت بهاءالله بوضوح تمام جنبه روحانی انسان را با جنبه عملی او مرتبط دانسته است. ساختن بنیان اجتماعی که ترقی فرد و امکانات جمعی بشر هر دو را داشته باشد و بر استعدادهای عقل و روح مردمان بیفزاید - در تعالیم حضرت بهاءالله بتأکید تمام مذکور گشته است. فرموده است که «جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده‌اند.»^{۱۵} وصول به «علم و عرفان و معانی و بیان» باید مرکز مجهودات انسانها باشد.^{۱۶} اشتغال به هنر و حرفه و علم و فنون «سبب علو وجود و سمو آن علوم و فنون و صنایع است.»^{۱۷} اما «در جمیع امور باید رؤسا باعتدال ناظر باشند چون هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود.»^{۱۸}

همچنانکه جهان مادی محتاج قوه خلاقه اشعه خورشید است نیروی روح انسان نیز موقوف به مقابله‌اش با انوار الهی و قوه خلاقه ظهور الهی است و اوست که قوای روحانی و اخلاقی و عقلانی را که در ذات انسان مکنون است بمنصه ظهور میکشاند و اگر این قوه الهی نبود ذات انسان اسیر غرائز جسمانی و معارف شیطانی میشد. از این رو حضرت بهاءالله احکام و تعالیمش را «باده ناب سربمهری» تشبیه میفرماید که «در جمیع اشیاء سریان یافته حیات جدیدی بآنها میبخشد.»^{۱۹} آن اوامر «چراغهای» هدایت کننده به «عنایت الهی» و «کلیدهای» به باب «رحمت» پروردگار است.^{۲۰}

در انسان که اشرف مخلوقات است استعدادی نهفته است که میتواند صفات الهی را در خود منعکس سازد و در روح هر یک از آدمیان نشانی از آفریننده جهان نقش بسته است. حضرت بهاءالله میفرماید: «روح آیت و نشانی از پروردگار و گوهری آسمانی است که هوشمندان جهان از عرفان حقیقتش عاجزند و هر دانائی از اسرارش بی خبر.»^{۲۱} فقط زمانی که انسان از طبیعت روحانی خویش آگاه گردد بشناسائی خداوند تواند رسید: «به مقامی واصل خواهد شد که در کینونت هر کس خلق و بودیعت نهاده شده تا بمعرفت نفس خویش فائز گردد.»^{۲۲} تحرّی و جستجوی حقیقت تنها حق مسلم یک فرد انسان نیست بلکه تکلیف هر کس است که خود در پی حقیقت جوئی باشد و چون کمالات الهی نامتناهی است ترقی نفس ناطقه آدمی نیز ابدی است و ترقی روح منوط است باینکه در زمان حیاتش در این عالم فانی چگونه از زندگی بهره گرفته است. دارا شدن صفات روحانی از قبیل فروتنی، مهربانی، بردباری، شفقت، امانت و سخاوت روح انسانی را در سفرش بسوی انوار حق تعالی آماده میسازد. در تأیید این مطلب حضرت بهاءالله میفرماید: «بدان روح بعد از جدائش از بدن همچنان ترقی مینماید تا در محضر الهی بصورتی در آید که آنرا گذشت قرون و اعصار و حوادث عالم تغییر ندهد و بدوام ملکوت الهی باقی و جاودان بماند.»^{۲۳}

حضرت بهاءالله میفرماید: «جمیع احزاب بافق اعلی متوجهند و بامر حق عامل» و بدین ترتیب جمیع اهل عالم از هر قوم و مذهب مبدأ فیضشان یکی است و همه بندگان خدای واحدند.^{۲۴} از این روی همه بنیان گذاران ادیان یعنی حضرت موسی و زردشت، بودا و کریشنا، عیسی و محمد همه در ذات و مقصد یکی هستند و در ظهورات پی در پی شان مجموعاً در وجدان آدمیان تأثیرات فراوان گذاشته اند. هر پیغمبر بعدی میزان بالاتری از حقائق روحانی را بعالم عرضه داشته است زیرا استعداد بشر در قبول آن حقائق جدید بیشتر گشته است. هر چند حقائق اصلی روحانی در همه ادیان ثابت و مداوم است اما پیامبران و مظاهر ظهور الهی در هر عصری تعالیم اجتماعی را تغییر داده اند تا موافق با مقتضیات زمانشان باشد. خلاصه آنکه ادیان بزرگ جهان شرح و بیانهای گوناگونی از یک طرح الهی آورده اند که بتدریج تکامل مییابد -- «دین تغییرناپذیر الهی، پایدار و ابدی در گذشته و در آینده.»^{۲۵}

همچنانکه یک فرد انسان مراحل شیر خوارگی و کودکی و بلوغ را طی مینماید جامعه بشری نیز پیوسته پیوند محکمتری با خالق متعال می یابد و در حیات جمعی رو بترقی خود نیز مراحل را میگذراند. مرحله امروز ما دوره ورود به مرحله بلوغ جمعی بشری است و در این مرحله بلوغ لازم میآید که تمام جهانیان خود را اعضاء یک خاندان دانند که در یک وطن جهان است زیست میکنند. حضرت بهاءالله اهل عالم را چنین خطاب میفرماید: «باتحاد توجه نمائید و بنور اتفاق منور گردید.»^{۲۶} و تأکید میفرماید که «این اصلاح و راحت» عالم «ظاهر نشود مگر باتحاد و اتفاق.»^{۲۷}

اتحاد عالم محور تعالیم حضرت بهاءالله است. مظاهر ظهور قبل هر یک در مسیر بلوغ روحانی و اجتماعی نشاطی تازه بخشیده اند و حال رسالت حضرت بهاءالله برای آن است که نیروهائی را برانگیزد تا جامعه جهانی پیوسته که با صلح و آرامش همراه باشد تحقق یابد. هر چند که توالی ظهورات الهی «تا ابد» ادامه خواهد یافت اما امروز بشر در سراسر کره زمین در سیر تکاملی روحانیش به مرحله نهائی سازمان اجتماعیش وارد گشته است.^{۲۸} فرموده حضرت بهاءالله، «این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابة بصر است از برای قرون و اعصار و بمثابة نور است از برای ظلمت ایام.»^{۲۹}

حضرت بهاءالله چون وحدت عالم انسانی را محور تعالیم خویش اعلان فرموده یک سلسله تعالیمی را نیز برای هدایت ترقیات آینده جامعه انسان بیان داشت از قبیل: ترک جمیع تعصبات زیرا بشر جنس واحد است و اینکه بگوئیم قومی و نژادی برتر از دیگر اقوام بشر

است نادرست و موهوم است. زن و مرد در نزد خدا یکسانند و جامعه انسانی باید شئون خود را بنوعی نظم بخشد که حقیقت این تساوی در آن منعکس گردد. حضرت بهاءالله فرموده که دوره ای که در آن عدالت باید بر شئون بشری حکمفرما باشد فرا رسیده است و در آثار بهائی تأکید شده است که جامعه انسانی مسئول است که عدالت اقتصادی را در همه جا و میان جمیع اجزاء مرکب اش حکمفرما دارد. پدران و مادران مکلف بر تعلیم و تربیت کودکانند و جامعه مسئول است که وسائل تعلیم و تربیت عمومی را فراهم سازد. هر انسانی باید "خود به جستجوی حقیقت پردازد و با چشم خویش مشاهده نماید نه با دیده دیگران" تا خود مستقلاً حقیقت را دریابد.^{۲۰} انسان باید از سرچشمه علم و دین هر دو بنوشد تا بمقامی رسد که بتواند با مشکلات جامعه امروز بشری مقابله نماید. تصمیم درباره امور باید با مشورت صورت گیرد زیرا «مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظن و گمان را بیقین تبدیل نماید»--از این روی مشورت وسیله مؤثری است برای ترقی اجتماعی مخصوصاً در نقاطی که ترقی کند و بطنی است.^{۲۱} لزوم ایجاد سازمان امنیتی جمعی و تأسیس سازمانهایی برای حکومت در سطح جهانی تا ثبات و صلح و سلام در روابط بین المللی تأمین گردد.

حضرت بهاءالله درباره زندگی و معنای زندگی و زندگی در عالم بعد به تفصیل بحث فرموده است و به افراد انسان که در پی دریافت معرفت روحانی اند و نیز به نوع بشر که نیازمند آرامش و هدایت و امید است توجه فرموده است. حضرت بهاءالله درباره تحول معنوی و روحانی جامعه و نجات مردم گوناگون جهان از بی عدالتی و رنج و سختی و پیدایش تمدن مترقی و متحد جهانی میفرماید که این همه نه تنها امکان تحقق دارد بلکه قطعاً شدنی است.

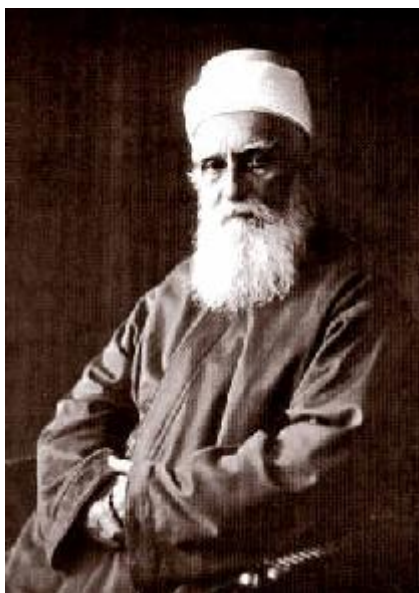
حضرت بهاءالله میفرماید: «امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است»^{۲۲} هر انسانی مشمول این فضل و عطا است و "اصل الیوم اخذ از بحر فیوض است." ^{۲۳} اولین بار در تاریخ است که انسان بوحدت گرائیده است. "خوشا بر تو ای زمین که قدمگاه کبریا گشتی و عرش عظیم الهی بر تو استقرار جست." ^{۲۴} "زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد. ان ربک لهو الحق علّام الغیوب." ^{۲۵}

یادداشتها

۱. حضرت بهاءالله، *منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله* (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۱۹۸۴)، ص ۱۲۸.
۲. Bahá'í Publishing Trust, 1987), :rev. ed. (Wilmette, *God Passes By*, Shoghi Effendi. p. 93 (ترجمه).
۳. حضرت ولی امرالله، *نظم جهانی بهائی* (دانداس: مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۸۹)، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم، ص ۶۰.
۴. مآخذ اصل بیان عربی: حضرت بهاءالله، *کلمات مکنونه* (ریودوژانیرو: دالنشر البهائیه، ۱۹۹۵)، صص ۹، ۱۸.
۵. *منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله*، ص ۲۱۹.
۶. *منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله*، ص ۶۷.
۷. حضرت بهاءالله، *کتاب ایقان* (هوفمایم: مؤسسه ملی مطبوعات بهائی آلمان، ۱۹۹۸)، صص ۱۶۰-۱۵۹.
۸. مآخذ اصل بیان عربی: حضرت بهاءالله، *کلمات مکنونه* (ریودوژانیرو: دالنشر البهائیه، ۱۹۹۵)، [کلمات مکنونه عربی شماره ۲۲] ص ۱۳.
۹. حضرت بهاءالله، از آثار غیر منتشره (حیفا: مرکز جهانی بهائی).
۱۰. مآخذ اصل بیان عربی: حضرت بهاءالله، *مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاءالله جل اسمہ الاعظم* (ویلمت: مؤسسه مطبوعات بهائی، ۱۹۷۸)، ص ۳۸.
۱۱. حضرت بهاءالله، از آثار غیر منتشره (حیفا: مرکز جهانی بهائی).
۱۲. مآخذ اصل بیان عربی: حضرت بهاءالله، از آثار غیر منتشره (حیفا: مرکز جهانی بهائی).
۱۳. *مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاءالله جل اسمہ الاعظم*، ص ۶۷.
۱۴. حضرت بهاءالله، *مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده* (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۱۹۸۰)، ص ۷۶.
۱۵. *منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله*، ص ۱۴۰.
۱۶. حضرت بهاءالله، *اقتدارات* ص ۳۲۹.

۱۷. حضرت بهاءالله، لوح مبارک خطاب به شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی معروف به نجفی (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، ۱۹۸۲)، ص ۲۰.
۱۸. مجموعهء الواح مبارکه حضرت بهاءالله جل اسمه الاعظم، ص ۱۴۰.
۱۹. مآخذ اصل بیان عبری: حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، (حیفا: مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۵)، فقرات ۵ و ۲.
۲۰. مآخذ اصل بیان عبری: کتاب اقدس فقره ۳.
۲۱. مآخذ اصل بیان عبری: مجموعهء الواح مبارکه حضرت بهاءالله جل اسمه الاعظم، ص ۱۰۷.
۲۲. مآخذ اصل بیان عبری: مجموعهء الواح مبارکه حضرت بهاءالله جل اسمه الاعظم، ص ۱۱.
۲۳. مآخذ اصل بیان عبری: منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۰۵.
۲۴. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۴۱.
۲۵. مآخذ اصل بیان عبری: منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۹۳.
۲۶. مآخذ اصل بیان عبری: منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۴۱.
۲۷. مآخذ اصل بیان عبری: منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۸۳.
۲۸. مآخذ اصل بیان عبری: منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۱۰.
۲۹. حضرت ولی امرالله، ظهور عدل الهی (ویلمت: دارالانشاء محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، ۱۹۸۵)، ص ۱۶۳.
۳۰. مآخذ اصل بیان عبری: مجموعهء الواح مبارکه حضرت بهاءالله جل اسمه الاعظم، ص ۳۶.

۳۱. حضرت بهاءالله، نقل شده در وعدهء صلح جهانی، ترجمه بیانیهء بیت العدل اعظم خطاب باهل عالم، (ویلمت: دارالانشاء محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، ۱۹۸۵)، ص ۲۴.



۳۲. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۲.
۳۳. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۴.
۳۴. مآخذ اصل بیان عبری: منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۲۸.
۳۵. منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۳.

حضرت عبدالبهاء ۱۸۴۴ - ۱۹۲۱

پسر ارشد حضرت بهاءالله نام مبارکش عباس بود که از زمان کودکی در مصائب و تبعیدهای پدر بزرگوارش شریک و سهمیم بود. این فرزند ارجمند لقب عبدالبهاء را برای خود اختیار فرمود، پس از حضرت بهاءالله طبق وصیت آن حضرت مبین منصوص آثار و تعلیم و قائد جامعه بهائی شد و مثل اعلائی حیات بهائی محسوب می شود.

هنگامیکه حضرت عبدالبهاء هنوز محبوس دولت عثمانی بود اولین گروه زائرین غربی در سال ۱۸۹۱ در شهر عکا زیارتش نائل گشتند. حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۰۸ از بند عثمانیان آزاد گردید. پس از آزادی از سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ به اروپا و امریکا مسافرت فرمود و از آنجا پیام حضرت بهاءالله را درباره اتحاد و عدالت اجتماعی در مجامع کلیساها - اتحادیه های کارگری - دانشگاه ها و مصاحبه با خبرنگاران و ملاقات با مقامات دولتی و بسیاری دیگر از جمعیت های عمومی بگوش همه رسانید.

حضرت عبدالبهاء پس از آنکه امر بهائی را بر پایه ای مستحکم استوار فرمود و سبب انتشارش از شرق و غرب شد در سال ۱۹۲۱ از عالم رحلت نمود. مزارش در حجره ای در شمال مقام اعلی استقرار یافت که حال زیارتگاه بهائیان است.

عکسی از حضرت عبدالبهاء



«همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار»

ترویج اتحاد و یگانگی در عالم مستلزم آن است که پیروان امر بهائی در بین خود متحد و متفق باشند. اتحاد در جامعه بهائی بواسطه آثار نازله از قلم ملهم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء تضمین گشته است. در آن آثار مقصد از ظهور حضرت بهاءالله و طرز اداره امور جامعه بین‌المللی بهائی معین شده و در تمام مدت قرن پرماجرای اوّل بهائی آثار مذکور جامعه بهائی را از اینکه به شعبه‌ها و فرقه‌های مختلفی تجزیه گردد حفظ و حراست نمود و آن جامعه را امکان بخشید که با مقتضیات تمدنی که بسرعت در حال تکوین بود خود را مطابقت دهد. دو مؤسسه بزرگی که مرجع و صاحب اختیار جامعه‌اند یکی مؤسسه ولایت امرالله است و دیگری بیت العدل اعظم

ولایت امر

حضرت عبدالبهاء در وصیّت‌نامه خویش

موسوم به الواح وصایا نوه ارشد خود، شوقی افندی ربّانی را ولی امر و مبین تعلیم بهائی تعیین فرمودند. حضرت شوقی افندی در مقام ولی امر بهائی در سال ۱۹۵۷ عالم خاک را وداع گفتند. ایشان در طی سی و شش سال بسیاری از آثار حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را به انگلیسی ترجمه و تشریح نموده، تأسیس مؤسسات محلی و ملی بهائی را تشویق فرموده و انتشار افکار بهائی را در اقطار عالم تحت نقشه‌هایی منظم و مستمر رهبری کردند.

حضرت ولی‌امرالله یادگار جاودانه خود را با ایجاد تزئینات باشکوهی جهت استقرار مرکز جهانی بهائی در ارض اقدس تأسیس فرمودند. بنای مقام عرش مطهر حضرت ربّ اعلی و ساختمان آرشیو بین‌المللی بهائی، و همچنین طراحی و تنظیم و ترتیب باغهای زیبای قصر بهجی و دامنه کوه کرمل از خلاقیت بی‌نظیر آن حضرت است.



ساختمان دارالآثار و باغهای کوه کرمل، حیفاء، اسرائیل



مرقد حضرت شوقی افندی در لندن